

## برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی تاب‌آور، دلالت‌های راهبردی و اعتباربخشی یک مدل ترکیبی برای اقتصاد

### مقاومتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۸

عادل پیغامی\*

سمانه منصوری\*\*

چکیده

افزایش تنش‌ها و مخاطرات طی نیم‌قرن گذشته خصوصاً در حوزه مالی و اقتصادی، اثرگذاری مستقیمی بر رفاه زندگی بشر داشته است. بر همین مبنا علاوه بر اینکه مطالعه و تحقیق برای کنترل و مدیریت این تنش‌ها در قالب مباحث مربوط به تاب‌آوری و مقاوم‌سازی اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گشته، لزوم و ضرورت ورود این ادبیات به حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های رفاهی نیز قابل درک است. به این معنی که امروز جهت نیل به مدل‌های جامع‌تر و کامل‌تر رفاه، ورود ادبیات تولیدشده در حوزه تاب‌آوری اقتصادی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های رفاهی لازم و ضروری خواهد بود. بر اساس همین ضرورت، هدف مقاله پیش رو پاسخ به این پرسش است که آیا از نظر اساتید و دانشمندان ادبیات تاب‌آوری اقتصادی و صاحب‌نظران حوزه رفاه اجتماعی نقاط اشتراک و تلاقی میان دو ادبیات برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی وجود دارد؟ نقاط تلاقی و یا مؤلفه‌های مشترکی که می‌توانند هم‌زمان نیازها و خواسته‌های هر دو عرصه را پاسخ دهد، کدام‌ها هستند؟ به همین منظور با استفاده از فن مصاحبه‌های عمیق با متخصصین و تحلیل این اطلاعات به روش تحلیل داده‌بنیاد این نتیجه حاصل شد که اشتراک مفهومی بالایی نظری در شاخص‌ها و مدل‌های مفهومی دو حوزه مورد تأیید خبرگان است. همچنین حاصل این تطبیق ارائه یک مدل مفهومی ترکیبی به نام لگام- PEOPLES اعتباربخشی شده و تکمیل شده با نظر متخصصان ایرانی دو حوزه است که این امکان را فراهم می‌کند که نه تنها متخصصان و سیاست‌گذاران این دو عرصه با هم‌زبانی و اشتراک هدف دست به ساختن مدل‌های ترکیبی توانمند بزنند، بلکه ورود سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به عرصه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی را ممکن، عملی و لازم می‌سازد.

### واژگان کلیدی

برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، تاب‌آوری اقتصادی، مدل مفهومی ترکیبی لگام- PEOPLES اعتباربخشی

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل دنیای کنونی، بحران‌های اقتصادی است. به طوری که تحلیلگران تأکید می‌کنند اقتصاد جهانی وارد بدترین دوران رکود و افول در هشت دهه اخیر شده، به نحوی که هیچ کشوری از آثار منفی بحران مالی و اقتصادی جهان مصون نمانده است. نرخ رشد اقتصاد جهانی از ۵/۲ درصد در سال ۲۰۰۷، به ۳/۴ درصد در سال ۲۰۰۸ کاهش یافته است. طبق آمارهای منتشرشده این کاهش رشد اقتصادی در آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای آسیایی همه‌گیر بوده است (Jackson, ۲۰۰۹, p.۱۰). به عقیده بسیاری از کارشناسان، افزایش بحران‌ها با تضعیف دولت‌های رفاهی بر معیشت و رفاه مردم اثرگذار بوده است؛ چراکه کاهش اخذ مالیات از طبقات مرفه و شرکت‌ها و مؤسسات مالی، تخصیص منابع هنگفت برای حمایت مالی از این شرکت‌ها و مؤسسات مالی، باعث ایجاد خلأ و کسری درآمدی دولت به منظور ارائه خدمات رفاهی برای طبقات آسیب‌پذیر جامعه شده است. فقر، تورم افسارگسیخته، بیکاری‌های گسترده، محرومیت‌های اقتصادی و افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی از جمله پیامدهای بحران‌های مالی اخیر است که هر یک می‌تواند عاملی باشد که فرد را به سمت آسیب‌های اجتماعی همچون روابط ناسالم، بزهکاری و خشونت و... سوق بدهد (ایزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

کشور ما نیز چه به لحاظ نوسانات درونی و چه در تعاملات بین‌المللی از این واقعه مستثنی نیست. کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، ایجاد موانع تجاری برای کشور، کاهش صادرات غیرنفتی به‌ویژه محصولات پتروشیمی و کالاهای اولیه، افزایش نرخ ارز، کاهش نرخ رشد اقتصادی، افزایش کسری بودجه، افزایش نرخ تورم، تضعیف جایگاه بورس در بازار سرمایه و رشد نرخ بیکاری از جمله مهم‌ترین شاخص‌هایی است که تأثیرات بحران‌های مالی و فشارهای تحریمی را بر اقتصاد ایران نشان می‌دهد (کیال، ۱۳۸۷، ص ۴۳)؛ به طوری که وقوع هرکدام از این مؤلفه‌ها برای کاهش رفاه افراد جامعه، خود دلیلی کافی است. بیکاری کارگران به دلیل ورشکستگی و تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی، مشکلات و موانع

در تأمین دارو و نهاده‌های اولیه برای تولید کالاهای ضروری، نوسانات قیمتی شدید در بازار کالا و خدمات و... مهم‌ترین مشکلاتی بوده است که طی سال‌های اخیر بر مردم تحمیل شده و معیشت و زندگی آنان را تحت تأثیر خود قرار داده است. با وجود چنین شرایطی مسلماً برای برنامه‌ریزان رفاه اجتماعی کشور، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در راستای مقاوم‌سازی اقتصادی برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی - اجتماعی از بحران‌ها و تحریم‌ها و از سویی دیگر عنایت به مقوله تاب‌آوری در طراحی‌های سیاستی، امری مهم و ضروری خواهد بود. همچنین و از سویی دیگر، نمی‌توان تاب‌آوری و پیگیری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به‌ویژه با تأکید بر مردمی بودن اقتصاد، فارغ از ابعاد رفاه اجتماعی پی جست.

اما مانع مهم در تلاقی این دو حوزه آنکه تاکنون دو ادبیات رفاه اجتماعی و مقاوم‌سازی اقتصادی توأمان مورد توجه دانشمندان داخلی و خارجی این دو حوزه نبوده‌اند و ادبیات علمی و تجارب عملی هریک فارغ و مستقل از دیگری رشد کرده‌اند. هرچند زمینه‌های نظری و مدل‌های مفهومی دو حوزه در دنیا واجد مؤلفه‌ای مشترک قابل توجهی بوده است و مطالعه تحلیلی از ادبیات این دو حوزه نشان‌دهنده ظرفیت بالایی در تلاقی مفهومی و نظری مدل‌های آن دو است (پیغامی و منصوری، ۱۳۹۳، ص ۱۶)؛ اما مروری به ادبیات رایج و علمی حاکی از این مهم است که تاکنون اقتصاددانان تاب‌آوری اقتصادی در پی اندراج مدل‌های برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی در مدل‌های خود و بالعکس سابقه نداشته است. در نتیجه، به‌ویژه در بین اقتصاددانان و برنامه‌ریزان رفاهی ایرانی، ایجاد تفاهم نظری و مشارکت عملی در مقاوم‌سازی اقتصادی نیازمند داشتن یک مدل مفهومی مشترک اعتباربخشی شده است. لذا در مقاله پیش رو سعی بر آن است تا به‌وسیله انجام مصاحبه‌های عمیق با متخصصان حوزه رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی به این پرسش پاسخ داده شود که آیا بر مبنای تئوری‌های علمی متعارف، مدل‌های مفهومی ترکیبی قابل تصور میان دو ادبیات رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی (مثلاً مدل ترکیبی منتخب لگام - PEOPLES) از اعتبار و انسجام نظری برخوردار است؟ و آیا با توجه به شرایط ایران اسلامی، این

مدل‌های مفهومی - ترکیبی را می‌توان جهت دستیابی به مؤلفه‌های مشترک مورد نیاز هر دو حوزه به نحوی سازمان‌دهی کرد که نیازها و دلالت‌های سیاستی ناظر بر رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی را برای نیل به اقتصاد مقاومتی مردمی توأمان فراهم کند؟ جامعیت و مانعیت مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مدل ترکیبی منتخب چیست و نهایتاً چه مدلی را می‌توان به‌عنوان مدل اعتباربخشی شده برای ایران اسلامی در سیاست‌گذاری و پایش وضع موجود به جامعه تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران کشور ارائه داد؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال‌ها می‌تواند علاوه بر فراهم کردن زمینه علمی و عملی برای بازتبیین دلالت‌های رفاهی اقتصاد مقاومتی و آشتی برنامه‌ریزان و نخبگان عرصه رفاه اجتماعی کشور با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابزار مفهومی لازم را نیز در اختیار ایشان قرار دهد.

#### ۱. پیشینه و سابقه تحقیق

بحران‌های اقتصادی و مالی از مهم‌ترین عوامل رکود جهانی سال‌های اخیر است. بر همین مبنا تاکنون بحث‌های گسترده‌ای برای اصلاح روندهای اقتصادی گذشته آغاز و دنبال شده است. اصلاح و تعدیل سازوکار بازار آزاد، اعمال نظارت‌های کارآمد، تنظیم بازارهای مالی و سیاست‌های تثبیت اقتصاد کلان، نمونه‌هایی از روش‌های پیشنهادشده است (Gylfason et al., ۲۰۱۰, p.۱۱). یکی از راه‌حل‌هایی که تاکنون برای جلوگیری و مقابله با پیشرفت این بحران‌ها مطرح شده و تقریباً به یک گفتمان عمومی بدل گشته است، بررسی مفهوم تاب‌آوری است. اگرچه این مفهوم در ابتدا در روان‌شناسی و زیست‌شناسی کاربرد داشته است؛ اما در حال حاضر در رشته‌های مختلف علمی به‌عنوان یک ویژگی مهم و قابل استناد برای اشیاء، نهادها، سیستم‌ها و جوامع مورد بررسی قرار می‌گیرد (پارسنز، ۲۰۱۰ به نقل از Martin and Sunley, ۲۰۱۳, p.۲)؛ به‌طوری‌که در سال‌های اخیر مباحث مربوط به مقاوم‌سازی و تاب‌آوری خصوصاً در حوزه اقتصادی بین تئوری‌ها و ادبیات متداول اقتصاد دنیا جای خود را باز کرده و در ادبیات علمی و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت‌ها از جایگاه مهمی برخوردار گشته است. در یک جمع‌بندی از ادبیات موجود می‌توان تاب‌آوری

را به توانایی و قابلیت یک سیستم برای حفظ و ادامه کارکرد خود و یا استقامت پس از وقوع شوک‌های داخلی و خارجی تعریف کرد. به‌نوعی که منجر به جذب اثر شوک و بی‌اثر شدن تأثیرات زیان‌بار آن‌ها شود (Briguglio et al., ۲۰۰۹).

نکته قابل توجه آنکه بحران‌ها و تنش‌های اقتصادی و مالی به‌واسطه اثرگذاری منفی قابل توجه بر دارایی‌ها، عوامل تولید، میزان تولید، اشتغال، از دست دادن امرار معاش و درآمد، سهمیه‌بندی در برخی بخش‌ها و مالیات بر درآمد (Hallegatte, ۲۰۱۴, p.۲) می‌تواند رفاه انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. به‌نحوی که بحران‌های اخیر سبب شده تا مقوله هزینه-فایده دولت‌های رفاهی و سازوکار تسهیم و تخصیص بهینه ریسک‌ها در آن به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرد. به‌نحوی که با ایجاد این بحران‌ها، توجه مجدد به سیاست‌های رفاهی همچون نیاز به مؤسسات جهانی، همکاری‌ها و وابستگی‌های متقابل برای دستیابی به توسعه اقتصادی ضروری گشته و در دستور کار قرار گرفته است (Gylfason et al., ۲۰۱۰, p.۱۲)؛ به‌عبارت دیگر در سده اخیر سازوکار اصلی جوامع رفاهی برای برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و ایجاد نظم، عملکردی بین نظام سرمایه‌داری و سیاست‌های دموکراتیک بوده است؛ اما در دهه‌های اخیر به‌وضوح مشاهده می‌شود که این روش دیگر پاسخگو نیست. به‌طوری که اضطراب اینکه دیگر نمی‌توان به این روش اتکا کرد در میان برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران رفاهی به‌روشنی مشاهده می‌شود؛ چراکه در عصر حاضر جوامع رفاهی در معرض و به عبارتی در خطر از دست دادن ثبات گذشته خود هستند. پس در نتیجه، کسب توانایی‌ها برای مقابله با این ناپایداری‌ها و بازگشت به نظم و ثبات، لازمه سیاست‌های رفاهی امروز خواهد بود (Schimank, ۲۰۱۱, p.۱)؛ پس به دلیل اینکه بحران‌ها، مخاطرات و تغییرات، جز جدایی‌ناپذیر زندگی امروز گردیده است، لازم و ضروری خواهد بود که حوزه برنامه‌ریزی رفاه از علوم تولیدشده در حوزه تاب‌آوری اقتصادی عقب‌نمانده و برای ورود ادبیات تاب‌آوری اقتصادی به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها در حوزه رفاه اجتماعی عزمی جدی داشته باشد.

مروری جامع به گستره دو ادبیات تاب‌آوری و برنامه‌ریزی رفاهی و مهم‌ترین اندیشه‌ها و نظریه‌پردازی‌هایی که در این دو حوزه مطرح شده نشان می‌دهد که علی‌رغم همه ضرورت‌ها و اولویتی که وجود دارد، نخبگان و فعالان هیچ‌یک از این دو عرصه، ورودی به حوزه طرف مقابل و استفاده میان‌رشتگی از هم نکرده‌اند. به‌نحوی که در جستجوی منابع علمی هیچ مطالعه‌ای که مستقیماً نشان‌دهنده ورود اقتصاددانان تاب‌آوری به عرصه برنامه‌ریزی رفاه و یا توجه و کاربری متخصصان و برنامه‌ریزان رفاه اجتماعی از ادبیات اقتصاد تاب‌آوری باشد، یافت نمی‌شود.<sup>۱</sup> تنها اقدام قابل مطالعه در این زمینه مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی ادبیات اقتصاد تاب‌آور و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی؛ ارائه یک مدل مفهومی ترکیبی» اثر نگارندگان حاضر است که در آن ضمن بررسی و مرور جداگانه ادبیات رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی، نقاط تلاقی و اشتراک این دو حوزه نیز استخراج گردیده و در نتیجه این تطبیق علاوه بر اینکه به وجود نقاط مشترک میان دو ادبیات تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی پی برده شده شاخص‌های مشترک میان دو حوزه نیز استخراج شده، به‌نحوی که بر مبنای همین شاخص‌های مشترک یک مدل مفهومی جدید برای سنجش رفاه اجتماعی توأم با تاب‌آوری اقتصادی ارائه شده است (پیغامی و منصور، ۱۳۹۳، ص ۲۰). در آن مطالعه مدل مفهومی جدیدی که بر مبنای شاخص‌های مشترک میان دو حوزه رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی ارائه شده، مدل ترکیبی لگام-PEOPLES نامیده شده است. در مقاله پیش رو سعی بر این است تا با روش کیفی متناسب جامعیت و مانعیت مدل مفهومی لگام-PEOPLES بر اساس نظرات نخبگان این دو عرصه بررسی، مؤلفه‌هایی که می‌باید افزوده شوند تعیین و نهایتاً مدل اعتباربخشی شود. در نهایت نیز با دستیابی به یک مدل اعتباربخشی شده امکان ارائه راهبردهای کلان سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های رفاهی را بر مبنای تاب‌آوری اقتصادی در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی فراهم خواهد شد.

## ۲. روش تحقیق

در تحقیق حاضر، جهت جمع‌آوری داده‌های تحقیق از فن مصاحبه<sup>۲</sup> و انجام مصاحبه‌های عمیق و تخصصی با کارشناسان و متخصصان دو حوزه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی استفاده شده است. از میان انواع روش‌های نمونه‌گیری، مناسب‌ترین روش برای پاسخ به سؤالات این تحقیق روش نمونه‌گیری هدفمند است. در نمونه‌گیری هدفمند که به آن «نمونه‌های قضاوتی» نیز اطلاق می‌شود، «پژوهشگر واحدهای نمونه‌گیری را به صورت ذهنی انتخاب می‌کند و سعی می‌نماید، نمونه‌ای که معرف جمعیت باشد، گزینش کند. ذهنیت داور است که احتمال انتخاب یک واحد نمونه‌گیری را برای نمونه معین می‌کند و به لحاظ اینکه نمی‌توان قضاوت داوران مختلف را در انتخاب واحد نمونه‌گیری برای نمونه‌ای معرف تعیین کرد، بنابراین تعیین احتمال انتخاب هر واحد نمونه‌گیری غیرممکن است» (نجمیاس و فرانکفورت، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴)؛ به‌نحوی که فرآیند مصاحبه‌ها تا مرحله اشباع نظری دنبال می‌گردد. اشباع نظری معیاری است برای تعیین نمونه‌ها که بر اساس آن محقق تا جایی مصاحبه‌ها را ادامه می‌دهد که پاسخ به سؤال‌های عمده تحقیق اشباع شده یا داده‌های جدیدی در فرآیند گردآوری داده ما تولید نشود (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۳۳۳). در نگارش این مقاله با انجام ۸ مصاحبه با متخصصین حوزه رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی، اشباع نظری مدنظر حاصل گشت. به‌نحوی که مصاحبه با متخصصان این دو حوزه آن‌قدر ادامه یافت که دیگر پاسخ‌های جدید در فرآیند مصاحبه به دست نیامد و پاسخ‌ها در حال تکرار شدن بودند. در جدول زیر مشخصات مصاحبه‌شوندگان قابل مشاهده است:

جدول شماره ۱: مشخصات مصاحبه شونده‌گان پژوهش

ردیف	مصاحبه‌شونده‌گان	تعداد		مدرک تحصیلی		
				کارشناسی	ارشد	کارشناسی
۱	صاحب‌نظر و استاد رفاه اجتماعی	۲		-	-	*
۲	مدیریت اجرایی برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۲		*	-	*
۳	صاحب‌نظر و استاد تاب‌آوری اقتصادی	۳		-	-	*
۴	مدیریت اجرایی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی	۱		-	-	*

برای مصاحبه با اساتید و صاحب‌نظران حوزه برنامه‌ریزی رفاه، فرم پرسش‌نامه مجزا و برای اساتید و دانشمندان حوزه تاب‌آوری اقتصادی فرم پرسش‌نامه دیگری طراحی شده است. به‌طوری‌که برای رسیدن به پاسخ پرسش‌های تحقیق، در هر یک از پرسش‌نامه‌ها سؤالات مرتبط با حوزه تخصصی هر گروه ذکر گردیده است. سؤالات بر اساس اهداف تحقیق طراحی گردیده است؛ به‌نحوی‌که محورهایی چون تعریف مفاهیم تاب‌آوری و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، وجود نقاط اشتراک میان این دو حوزه، ضرورت توجه به مباحث تاب‌آوری در اقتصاد و برنامه‌ریزی رفاه و... به‌صورت تشریحی از مصاحبه‌شونده‌گان پرسش شده و سؤالات مربوط به مؤلفه‌های مشترک میان دو حوزه در قالب یک جدول طراحی گردید و از متخصصین هر حوزه درخواست شد درجه اهمیت هر یک از مؤلفه‌های نام‌برده را در حوزه تخصصی خود تعیین کنند. ضمناً از ایشان خواسته شد علاوه بر مؤلفه‌های ذکر شده، مؤلفه‌های دیگری را که در حوزه تخصصی ایشان مهم و در جدول قید نشده است، نیز بیان کنند.



### ۳. تحلیل داده‌ها

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به روش داده-بنیاد تحلیل شده است. تحلیل داده-بنیاد اصولاً برای ساخت نظریه‌های بنیادی و داده‌محور کاربرد دارد، اما می‌توان از آن برای نقد، بسط و آزمون نظریه‌های صورتی نیز استفاده کرد (استراوس و کربین، ۱۹۹۰ به نقل از حبیبی، ۱۳۹۳، ص ۳۰۵). مهم‌ترین ویژگی روش داده-بنیاد روند کدگذاری داده‌هاست. در واقع کد عبارت است از کلمه، مفهوم و یا برجستگی که به یک یا چند واحد عبارتی شامل جمله، گزاره، پاراگراف یا صفحه‌الصاق می‌شود (استراوس و کربین، ۱۹۹۰-۱۹۹۸ به نقل از فلیک، ۱۳۸۷، ص ۳۲۹). فرآیند کدگذاری شامل سه مرحله است؛ کدگذاری باز<sup>۳</sup>، کدگذاری محوری<sup>۴</sup> و کدگذاری گزینشی<sup>۵</sup> (استراوس و کربین، ۱۹۹۰ به نقل از حبیبی، ۱۳۹۳، ص ۳۰۷) که هر یک به اختصار تشریح می‌گردد:

#### ۱-۴. کدگذاری باز

کدگذاری باز شامل تجزیه و بررسی، مقایسه، مفهوم‌سازی و بعد مقوله‌بندی داده‌هاست. در واقع می‌توان کدگذاری باز را جداسازی داده‌ها و ترسیم و الصاق مفاهیم اولیه از داده‌های خام دانست (فلیک، ۱۳۸۸، ص ۳۳۰). در این مقاله با کدگذاری هشت مصاحبه صورت گرفته در مجموع ۵۴۷ کد استخراج شد و با حذف کدهای مشترک نهایتاً در مرحله کدگذاری باز ۳۶۰ کد حاصل گردید.

#### ۲-۳. کدگذاری محوری

در مرحله کدگذاری محوری از میان کدهایی که در مرحله کدگذاری باز استخراج شده‌اند، کدهایی که بیشترین ارتباط را با سؤالات تحقیق دارند، انتخاب می‌شوند و در قالب یک مقوله کلی‌تر معرفی می‌گردند. نکته مهم در کدگذاری محوری آنکه، طبق روش اشتراوس و کربین در کدگذاری محوری برای مقوله‌بندی و صورت‌بندی کدها و نشان دادن ارتباط میان

آن‌ها یک سری مفاهیم را در قالب یک مدل ساده معرفی می‌کنند. در تحقیق حاضر از مدل پارادایمی اشتراوس و کربین که شامل ۵ محور اصلی است برای مقوله‌بندی کدها استفاده شده است. به نحوی که کدهای باز را در ۵ مقوله مدل پارادایمی که عبارت‌اند از پدیده، علل، بستر و شرایط دخیل، استراتژی و پیامد دسته‌بندی کرده‌اند (فلیک، ۱۳۸۸، ص ۳۳۴). در نهایت کدهایی که در هیچ‌یک از این مقولات جای نمی‌گرفتند طبیعتاً حذف شدند.

### ۳-۲-۱. پدیده

در دسته‌بندی کدهای باز اولین مقوله‌بندی، حول محور پدیده آغاز شده است. در این مقوله سعی بر آن است تا کدهایی را که به ابعاد دو مفهوم برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی پرداخته‌اند، جداسازی کنیم. به این معنی که مقولاتی را که در شناخت دو مفهوم تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی کمک می‌کنند، جداسازی کرده و سپس هر کدام از مقوله‌های به‌هم‌مرتبط را ذیل یک مقوله بزرگ‌تر معرفی می‌کنیم. در محور پدیده برای کدهایی که به معرفی و تشریح شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی و مؤلفه‌های اندازه‌گیری رفاه اجتماعی می‌پردازند نیز همین عملیات انجام می‌شود.

جدول شماره ۲: مقوله بندی کدهای باز حول محور پدیده (یافته پژوهش)

۱	ابعاد چندگانه مفهوم تاب‌آوری	۲	تاب‌آوری به معنی یک ساخت اقتصادی	۳	تاب‌آوری به معنی بازگشت به تعادل اولیه
۴	تاب‌آوری به معنی توانایی مقابله با شوک‌ها و بحران‌های داخلی و خارجی	۵	تاب‌آوری به معنی حفظ ثبات سیستم اقتصادی	۶	تعاریف متفاوت از تاب‌آوری اقتصادی در جوامع مختلف
۷	تاب‌آوری به معنی تقویت نقاط آسیب‌پذیر سیستم اقتصادی	۸	رفاه اجتماعی به معنی مجموعه‌ای از مداخلات دولتی و غیردولتی	۹	رفاه اجتماعی به معنی استفاده از ظرفیت‌های افراد

برنامه‌ریزی رفاه برای تعیین اهداف و اجرایی شدن آنها	۱۲	رفاه اجتماعی به معنی حمایت‌های اجتماعی از افراد	۱۱	رفاه اجتماعی به معنی رفع نیازها	۱۰
وجود تعاریف متعدد از مفهوم رفاه اجتماعی	۱۵	رویکردهای مختلف در تعریف مفهوم رفاه اجتماعی	۱۴	رفاه اجتماعی به معنی بهره‌گیری از امکانات محدود	۱۳
تجارت؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۱۸	سرمایه‌گذاری خارجی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۱۷	درآمد؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۱۶
کاهش وابستگی‌ها؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۲۱	حکمرانی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۲۰	همبستگی اجتماعی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۱۹
کارآفرینی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۲۴	نرخ تنزیل اجتماعی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۲۳	میزان یادگیری؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۲۲
مردمی بودن اقتصاد؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۲۷	اقتصاد دانش‌بنیان؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۲۶	نرخ بهره‌وری؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۲۵
رشد اقتصادی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۳۰	میزان تحقق شاخص‌های شهروندی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۲۹	شادکامی جامعه؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی	۲۸
درآمد؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۳۳	توجه به ابعاد گوناگون در شاخص‌سازی تاب‌آوری اقتصادی	۳۲	تعیین شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی با توجه به اقتضائات هر جامعه	۳۱
رشد اقتصادی؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۳۶	رشد اقتصادی؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۳۵	تجارت و رونق بازار؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۳۴
سلامت؛ شاخص	۳۹	همبستگی اجتماعی؛	۳۸	تأمین اجتماعی؛ شاخص	۳۷

برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی		شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی		برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	
حمایت‌های اجتماعی؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۴۲	شاخص‌های زیست‌محیطی؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۴۱	امنیت؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۴۰
ارائه طبقه‌بندی‌های مختلف از شاخص‌های اندازه‌گیری رفاه اجتماعی	۴۵	اشتغال؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۴۴	شادکامی؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۴۳
				افزایش کاربرد شاخص‌های ترکیبی و کیفی در اندازه‌گیری رفاه اجتماعی	۴۶

### ۳-۲-۲. علل

در این مرحله کدهایی از مجموعه کدهای باز انتخاب می‌شوند که به علل شکل‌گیری و گسترش ادبیات تاب‌آوری اقتصادی می‌پردازند. سپس کدهایی که بیانگر ضرورت ورود ادبیات تاب‌آوری اقتصادی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های رفاه اجتماعی هستند، استخراج می‌گردد.

جدول شماره ۳: مقوله بندی کدهای باز حول محور علل (یافته پژوهش)

لزوم توجه به مباحث تاب‌آوری اقتصادی با افزایش ارتباطات و درهم‌تنیدگی‌های جوامع	۳	توجه به تاب‌آوری درونی و بیرونی سیستم‌های اقتصادی	۲	توجه جدی به مباحث تاب‌آوری اقتصادی در سال‌های اخیر	۱
ضرورت ورود ادبیات تاب‌آوری اقتصادی در برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۶	پیش‌بینی گسترش توجهات به ادبیات تاب‌آوری اقتصادی در آینده	۵	لزوم توجه به مباحث تاب‌آوری اقتصادی با افزایش تنش‌ها و بحران‌های اقتصادی	۴
				ضرورت ورود ادبیات تاب‌آوری اقتصادی در برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۷

### ۳-۲-۳. بستر و شرایط دخیل

در مقوله‌بندی کدهای باز، کدهایی که از میزان و نحوه اجرای سیاست‌های تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی صحبت می‌کنند و البته کدهایی که میزان و ملزومات اجرایی شدن سیاست‌های تاب‌آوری اقتصادی در برنامه‌ریزی رفاه را نشان می‌دهند، حول محور بستر و شرایط دخیل مقوله‌بندی شده‌اند.

جدول شماره ۴: مقوله بندی کدهای باز حول محور بستر و شرایط دخیل (یافته پژوهش)

۱	اجرای غیرقابل قبول سیاست‌های تاب‌آوری اقتصادی	۲	تفاوت در اجرای اقتصاد مقاومتی در جوامع مختلف	۳	تلاش برخی جوامع برای اجرای سیاست‌های تاب‌آوری اقتصادی
۴	عدم اجرای دقیق شاخص‌های رفاه اجتماعی	۵	بی‌توجهی به سیاست‌های تاب‌آوری اقتصادی در برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی		

### ۳-۲-۴. استراتژی

در محور استراتژی‌ها کدهای مربوط به نظر کارشناسان خبره دو حوزه تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی راجع به وجود مؤلفه‌های مشترک و نقاط تلاقی میان دو ادبیات فوق، استخراج شده است.

جدول شماره ۵: مقوله بندی کدهای باز حول محور استراتژی (یافته پژوهش)

۱	وجود شاخص‌های مشترک میان دو حوزه تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۲	افزایش تولید داخلی؛ شاخص مشترک	۳	همبستگی اجتماعی و اعتماد؛ شاخص مشترک
۴	اشتغال و مسکن و تجارت و				

بازار و تولید و سرمایه‌گذاری؛ شاخص مشترک	
---	--

### ۳-۲-۵. پیامد

در این قسمت کدهای مربوط به پیامد ورود ادبیات تاب‌آوری به حوزه برنامه‌ریزی رفاه استخراج گردیده است. از آنجاکه در سؤالات تحقیق استخراج یک مدل مفهومی بر مبنای نقاط اشتراک و تلاقی دو حوزه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین پیامدهای ترکیب دو حوزه تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی رفاه آمده است؛ پس در این مقوله‌بندی به استخراج کدهایی که امکان طراحی مدل مفهومی مشترک بین دو حوزه مذکور را بیان می‌کنند، توجه ویژه شده است.

جدول شماره ۶: مقوله بندی کدهای باز حول محور پیامد (یافته پژوهش)

وجود و لزوم طراحی یک مدل مفهومی مشترک میان دو حوزه تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی	۱
--	---

### ۳-۳. کدگذاری گزینشی

کدگذاری گزینشی سومین مرحله کدگذاری است. انتخاب مقوله هسته (محوری) با تمرکز کردن بر فرآیند بنیادی مشهود در داده‌ها در این مرحله انجام می‌گردد. بر همین مبنای در این مرحله پژوهشگر کدهایی را که از مرحله محوری استخراج شده است، کنار هم گذاشته و سعی می‌کند کدهایی را که در ارتباط بیشتر با یکدیگر هستند و در واقع در یک مقوله بزرگ‌تر جای می‌گیرند، در یک گروه قرار داده و مقوله انتزاعی بزرگ‌تری را برای آن‌ها برگزیند. در واقع این مقوله‌ها همان مقولات محوری و اصلی تحقیق هستند که پاسخ به سؤالات تحقیق را امکان‌پذیر می‌سازند.

جدول شماره ۷: قرار دادن مقوله های حاصل شده در یک مقوله بزرگتر و انتزاعی تر (یافته پژوهش)

۱	مقابله با شوک‌ها و حفظ تعادل اولیه	۲	استفاده از ظرفیت‌های محدود برای رفع نیازها	۳	سنجش تاب‌آوری
۴	اندازه‌گیری میزان رفاه	۵	ضرورت تاب‌آور شدن	۶	عدم اجرای موفق تاب‌آوری
۷	نارضایتی از اجرای رفاه	۸	بی‌توجهی به رفاه تاب‌آور	۹	تأکید بر نقاط تلاقی و اشتراک
۱۰	طراحی یک مدل مفهومی مشترک				

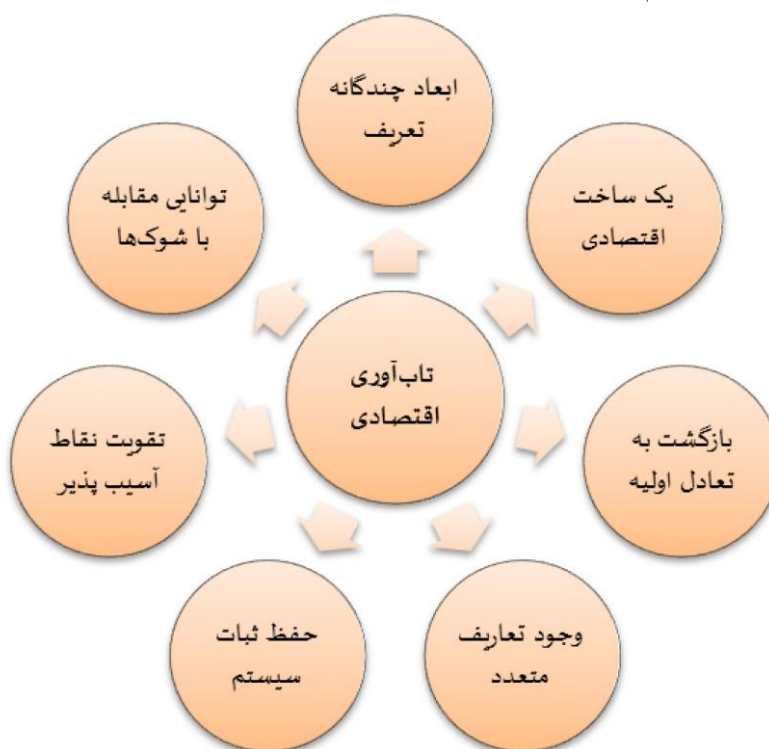
همان‌گونه که در جدول فوق مشخص است، پس از انجام مراحل سه‌گانه کدگذاری‌ها، اصلی‌ترین و البته انتزاعی‌ترین مفاهیمی که می‌توان از متون مصاحبه‌ها استخراج کرد، حاصل شده است. به عبارتی کدهایی که در مرحله کدگذاری گزینشی که آخرین مرحله کدگذاری است، حاصل می‌شود؛ در واقع همان کدهایی هستند که با مقوله‌بندی و دسته‌بندی‌های پی‌درپی مفاهیم به دست آمده است و نظریه نهایی بر مبنای آن‌ها ساخته و ارائه خواهد شد.

#### ۴. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها

بعد از انجام مراحل سه‌گانه کدگذاری‌ها، بر مبنای مقوله‌ها و مفاهیم نهایی که پس از طی این مراحل حاصل می‌شود، می‌توان نظریه مبنایی یا مدل مفهومی ترکیبی موردنظر را ساخت. به همین منظور در این مرحله بار دیگر سؤالات اصلی تحقیق را مرور کرده و بر اساس یافته‌های روش تحلیل داده‌بنیان، پاسخ خواهیم داد.

#### ۱-۴. تعریف مفهوم تاب آوری سازگار با مقوله رفاه اجتماعی

بر این اساس نتایجی که از کدگذاری‌های گزینشی به دست آمد، می‌توان مهم‌ترین مؤلفه‌های مفهوم تاب‌آوری اقتصادی سازگار با مقوله رفاه اجتماعی را این‌گونه نام برد و بر اساس آن‌ها این مفهوم را تعریف کرد:



شکل شماره ۱. مؤلفه‌های مفهوم تاب‌آوری اقتصادی (یافته تحقیق)

همان‌گونه که مشخص است تعریفی که از تاب‌آوری اقتصادی ارائه شده است، با تعاریفی که در منابع دیگر مطرح می‌شود، شباهت‌های بسیاری وجود دارد. همین موضوع



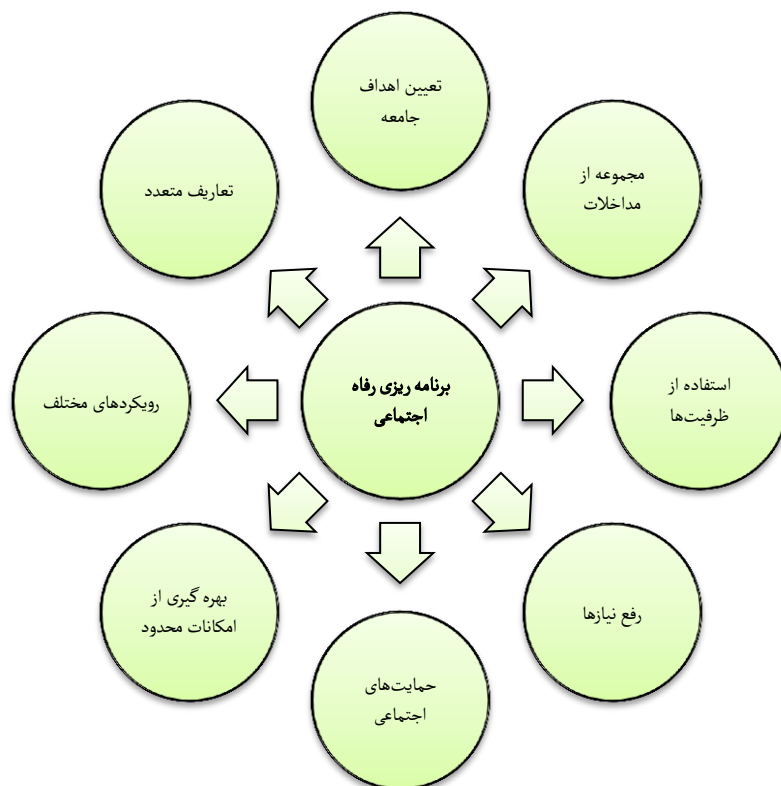
در مورد شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی نیز صادق است. مهم‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی از نظر متخصصان عبارت‌اند از:



شکل شماره ۲. شاخص‌های اندازه‌گیری میزان تاب‌آوری اقتصادی (یافته تحقیق)

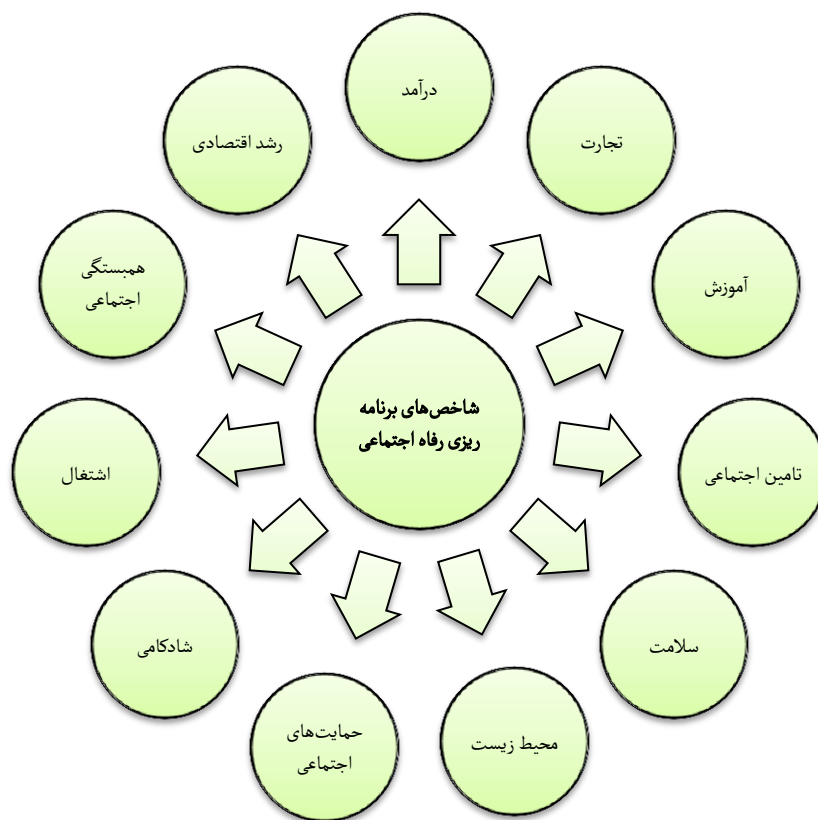
#### ۲-۴. تعریف مفهوم برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و مؤلفه‌های آن

مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که از طرف اساتید و دانشمندان حوزه رفاه اجتماعی که در تعریف رفاه اجتماعی کاربرد دارد، عبارت‌اند از:



شکل شماره ۳. مهم‌ترین مؤلفه‌های تعریف مفهوم برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی (یافته تحقیق)

لذا برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی مفهومی است که تاکنون از ابعاد مختلف، تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. به این معنی که این برنامه با توجه به اهداف هر جامعه به‌منظور رفع نیازها، حمایت‌های اجتماعی از افراد و بهره‌گیری از ظرفیت‌های هر جامعه طراحی می‌گردد و به‌وسیله مجموعه‌ای از مداخلات دولتی و غیردولتی با توجه به امکانات محدود هر جامعه اجرایی می‌گردد. حسب نظر کارشناسان و اساتید حوزه رفاه اجتماعی که نمونه آماری این کار تحقیقی بودند و مورد مصاحبه قرار گرفتند، مهم‌ترین شاخص‌های سنجش رفاه اجتماعی عبارت‌اند از:

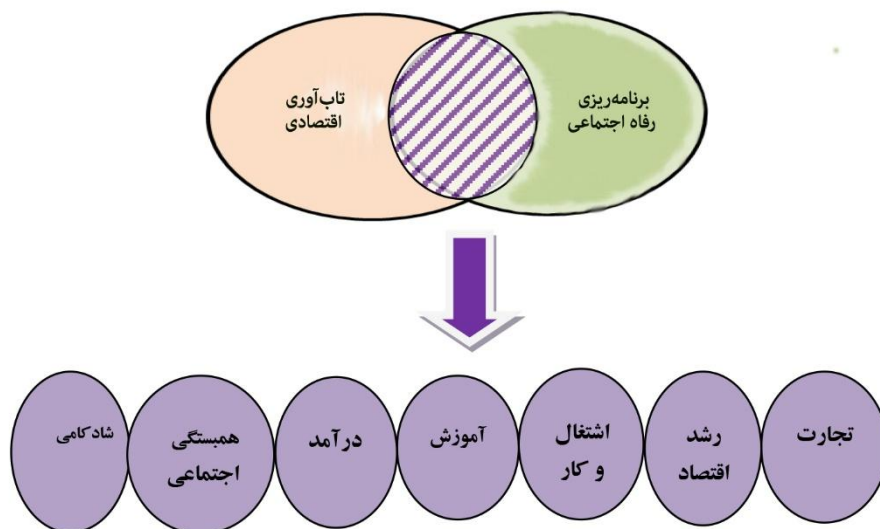


شکل شماره ۴. شاخص‌های اندازه‌گیری رفاه اجتماعی (یافته تحقیق)

#### ۳-۴. نقاط تلاقی و شاخص‌های مشترک میان دو حوزه

وجود این رابطه میان ادبیات برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی یکی از مهم‌ترین دستاوردها و نتایج تحقیق پیش رو است. به همین منظور یکی از سؤالات کلیدی که از اساتید و صاحب‌نظران هر دو حوزه پرسش شد در رابطه با امکان تلاقی و مؤلفه‌های مشترک میان تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی بود. به‌نحوی که در پاسخ همه متخصصان به این سؤال قاطعانه پاسخ مثبت دادند؛ اما جهت اطمینان از این پاسخ

متخصصان تصمیم گرفته شد مؤلفه‌هایی که متخصصان رفاهی در اندازه‌گیری رفاه اجتماعی مهم قلمداد کرده بودند؛ در مقابل مؤلفه‌های مهم تاب‌آوری اقتصادی که متخصصان این حوزه نام برده بودند، قرار داده شوند تا مشخص گردد در این مؤلفه‌ها، مؤلفه‌های مشترکی میان دو حوزه وجود دارد یا خیر. مؤلفه‌های مشترک و نقاط تلاقی میان دو تاب‌آوری اقتصادی و رفاه اجتماعی که از مصاحبه‌های عمیق و تخصصی با کارشناسان و متخصصان دو حوزه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی استخراج شده است، عبارت‌اند از:



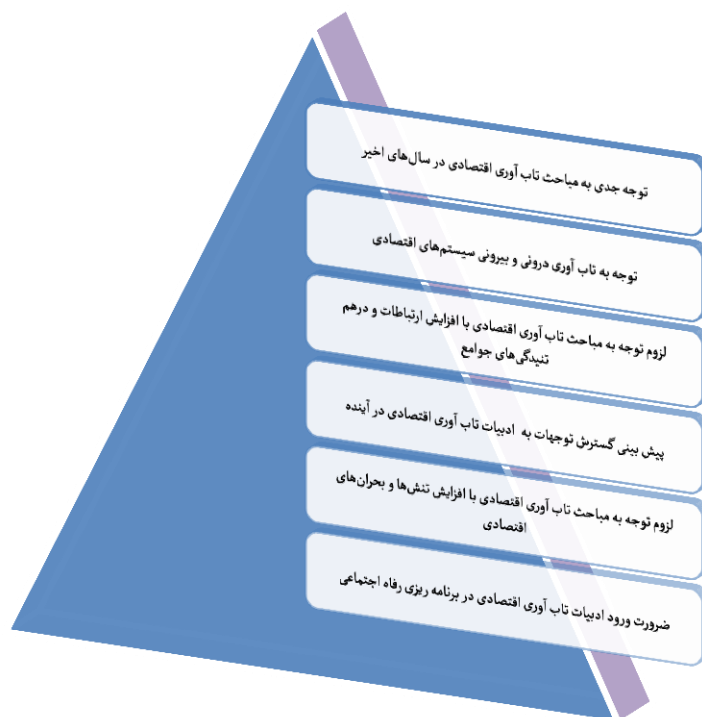
شکل شماره ۵. شاخص‌های مشترک برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی (یافته تحقیق)

#### ۴-۴. ضرورت ورود ادبیات تاب‌آوری اقتصادی به برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی

توجه و ورود مبنایی به ادبیات تاب‌آوری خصوصاً تاب‌آوری اقتصادی یکی از ملزومات و اولویت‌های ایران محسوب می‌شود (پیغامی و منصور، ۱۳۹۳). به‌طوری‌که بی‌توجهی به

این موضوع در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشور هزینه‌های بسیاری را در آینده به کشور متحمل خواهد کرد که ممکن است قابل جبران نباشد.

خوشبختانه متخصصان و اساتید کشور نیز بر این ضرورت قائل بوده و از لزوم توجه به ورود ادبیات تاب‌آوری اقتصادی به حوزه برنامه‌ریزی کشور خصوصاً برنامه‌ریزی‌های رفاهی سخن می‌گویند. در نتیجه کار تحقیق صورت گرفته کدهای زیر که از مصاحبه با ایشان استخراج گردیده، ضرورت و لزوم توجه به ادبیات تاب‌آوری اقتصادی و ورود آن به حوزه رفاه را تأیید می‌کند:



شکل شماره ۶. لزوم توجه به ادبیات تاب‌آوری اقتصادی (یافته تحقیق)

نکته قابل توجه اینکه تمام اساتید و صاحب نظران حاضر در تحقیق لزوم و ضرورت ورود ادبیات تاب‌آوری را به برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی تأیید کرده و این قابلیت را در برنامه‌ریزی‌های کشور مشاهده می‌کردند؛ اما از نحوه اجرایی شدن این مهم اعلام رضایت نداشتند. به این معنی که مطالعه و تحقیق در راستای ورود ادبیات تاب‌آوری به برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی تلاشی مجدانه و بسیار می‌طلبد.

#### ۴-۵. چگونگی ورود ادبیات تاب‌آوری اقتصادی به سیاست‌گذاری‌های رفاه اجتماعی

یکی از راه‌هایی که می‌توان یک روند و یک برنامه را وارد جریان سیاست‌گذاری‌های یک جامعه کرد این است که معیارها و شاخص‌های مربوط به آن حوزه تبدیل به سنجه‌های کاربردی شده و از سوی نظام و سازمان آمارگیری آن کشور مورد رصد و پایش دائمی قرار گیرد. بر همین مبنا در تحقیق گذشته مدل ترکیبی لگاتوم- PEOPLES بر مبنای شاخص‌های مشترک میان دو ادبیات تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی ارائه شده است و یکی از هدف‌های مقاله حاضر اعتباربخشی به این مدل است. به همین منظور در برگه‌های مصاحبه که با متخصصان و دانشمندان دو حوزه رفاه و اقتصاد تاب‌آور با متخصصان انجام شده است، جدولی از فهرست شاخص‌های مدل لگاتوم- PEOPLES در اختیار اساتید و صاحب نظران اقتصادی و رفاهی قرار گرفت و از ایشان درخواست شد تا درجه اهمیت این شاخص‌ها را متناسب با حوزه تخصصی خود - تاب‌آوری اقتصادی یا برنامه‌ریزی رفاهی - تعیین کنند. شاخص‌های ارائه شده در مدل در واقع شاخص‌های مشترکی هستند که در نتیجه بررسی و مقایسه برخی طبقه‌بندی‌های معرفی شده از شاخص‌های رفاه اجتماعی با شاخص‌هایی در مدل‌های مفهومی تاب‌آوری اقتصادی، به دست آمده است (پیغامی و منصور، ۱۳۹۳، ص ۲۰).

در جدول شماره ۷<sup>۶</sup> درجه اهمیتی که هر یک از مصاحبه‌شوندگان به شاخص‌های مشترک میان دو حوزه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی داده‌اند و البته مؤلفه‌هایی که ایشان ضروری می‌دانستند به مدل ترکیبی لگاتوم - PEOPLES اضافه و یا مؤلفه‌هایی که از نظر ایشان بی‌اهمیت بوده است و باید از مدل ارائه شده حذف گردد، آورده شده است.



۲۸ اندیشه مدیریت راهبردی، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۲۰











مؤلفه‌ها	مصاحبه‌کننده شماره ۱			مصاحبه‌کننده شماره ۲			مصاحبه‌کننده شماره ۳			مصاحبه‌کننده شماره ۴			مصاحبه‌کننده شماره ۵			مصاحبه‌کننده شماره ۶			مصاحبه‌کننده شماره ۷			مصاحبه‌کننده شماره ۸			
	کاملاً مهم	مهم	نی‌اهمیت	کاملاً مهم	مهم	نی‌اهمیت	کاملاً مهم	مهم	نی‌اهمیت	کاملاً مهم	مهم	نی‌اهمیت	کاملاً مهم	مهم	نی‌اهمیت	کاملاً مهم	مهم	نی‌اهمیت	کاملاً مهم	مهم	نی‌اهمیت	کاملاً مهم	مهم	نی‌اهمیت	
قوانین و مقررات																									
کارایی سیستم قضایی																									
مشارکت عمومی																									
نهادهای حکومتی																									
..... -..... - پاسخگو بودن حکومت - احساس خدمت‌گذار بودن دولت نسبت به مردم ..... .....																									

با بررسی جدول فوق که نتیجه ارزیابی کارشناسان از مؤلفه‌های مشترک دو حوزه تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی است، رتبه‌بندی درجه اهمیت و اولویت مؤلفه‌های مهم به شرح جدول زیر به دست می‌آید:

جدول. رتبه‌بندی درجه اهمیت و اولویت مؤلفه‌های مشترک دو حوزه تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی

شاخص‌ها	درجه اهمیت
اشتغال. مسکن. درآمد. تجارت. تنظیم بازار. تولید ناخالص داخلی. میزان	مهم و کاملاً مهم

شاخص‌ها	درجه اهمیت
<p>سرمایه‌گذاری. آموزش. همبستگی اجتماعی. مشارکت اجتماعی. اوقات فراغت. تأمین اجتماعی. رضایت از کیفیت زندگی. مهاجرت. تغذیه. طول عمر. امکانات بهداشتی. مراقبت از سالمندان. سلامت اجتماعی. جمعیت. میزان اعتماد متقابل. آزادی انتخاب. امنیت در برابر جنگ‌ها. مبارزه با بی‌عدالتی. کیفیت آب، هوا، خاک. تنوع و زیبایی زیست‌محیطی. قوانین و مقررات. کارایی سیستم قضایی. مشارکت اجتماعی. نهادهای حکومتی.</p>	
<p>مسکن. تولید ناخالص داخلی. میزان سرمایه‌گذاری. مهاجرت. کیفیت آب، هوا، خاک. تنوع و زیبایی زیست‌محیطی. تجارت. تنظیم بازار.</p>	تا حدودی
<p>اوقات فراغت. مراقبت از سالمندان. جمعیت. آزادی انتخاب. تنوع و زیبایی زیست‌محیطی.</p>	بی‌اهمیت
<p>استقلال اقتصادی. رشد اقتصادی. افزایش قدرت خرید. متعادل کردن سبد هزینه‌های خانوار. نسبت سرمایه ناملموس به ملموس. اقتصاد دانش‌بنیان. عدم اتکا به اقتصاد چند محصولی. تراز تجاری (مقدار و کیفیت). تراز سرمایه (مقدار و کیفیت). بهره‌وری نیروی کار. بهره‌وری سرمایه. نرخ پس‌انداز. تورم (کاهش قدرت خرید). فناوری اطلاعات و ارتباطات. آگاهی از حقوق شهروندی. جلب اعتماد ملت نسبت به حکومت. دسترسی به آب آشامیدنی. سلامت مادران باردار. نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال. توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر. ازدواج یا طلاق. دسترسی به آب آشامیدنی. سلامت مادران باردار. نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال. توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر. ازدواج یا طلاق. میزان تولید گازهای گلخانه‌ای. مقابله با بیابان شدن زمین‌های کشاورزی. مقابله با خشک شدن و نم‌کزار شدن دریاچه‌ها. میزان برداشت مخرب از منابع طبیعی. پاسخگو بودن حکومت. احساس خدمتگزار بودن دولت نسبت به مردم.</p>	مؤلفه‌های پیشنهادی

علاوه بر این نتایج، در خلال مصاحبه‌ها هر یک از مصاحبه‌شوندگان راجع به مؤلفه‌های اندازه‌گیری رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی توضیحاتی داشتند و حتی در

رابطه با اهمیت بالای برخی مؤلفه‌ها شفافاً مطالبی را ارائه کردند که در طی فرآیند کدگذاری باز از متن مصاحبه‌ها استخراج و در فرآیند کدگذاری محوری مقولات فرعی که در رابطه با هر مؤلفه بوده است تحت یک مقوله اصلی‌تر و کلی‌تر بیان شده است که این مقولات اصلی استخراج شده به قرار زیر است:

شاخص‌های مهم اندازه‌گیری رفاه اجتماعی	شاخص‌های مهم اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- درآمد؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی</li> <li>- تجارت و رونق بازار؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی</li> <li>- رشد اقتصادی؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی</li> <li>- آموزش؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی</li> <li>- تأمین اجتماعی؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی</li> <li>- همبستگی اجتماعی؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی</li> <li>- سلامت؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی</li> <li>- امنیت؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی</li> <li>- شاخص‌های زیست‌محیطی؛ شاخص برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- درآمد؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- سرمایه‌گذاری خارجی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- تجارت؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- همبستگی اجتماعی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- حکمرانی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- کاهش وابستگی‌ها؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- میزان یادگیری؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- نرخ تنزیل اجتماعی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- کارآفرینی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- نرخ بهره‌وری؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- اقتصاد دانش‌بنیان؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- مردمی بودن اقتصاد؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- شادکامی جامعه؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- میزان تحقق شاخص‌های شهروندی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> <li>- رشد اقتصادی؛ شاخص تاب‌آوری اقتصادی</li> </ul>

با مقایسه و تطبیق نتایج فوق، این نتیجه حاصل می‌گردد که همه مؤلفه‌های مشترکی که در مدل پیشنهادی لگاتوم- PEOPLES آمده است از نظر بیشتر اساتیدی که در مصاحبه شرکت کرده‌اند، کاملاً مهم و یا مهم قلمداد شده است. مؤلفه‌هایی که از نظر یک یا حداکثر دو مصاحبه‌شونده تا حدودی در اندازه‌گیری رفاه توأم با تاب‌آوری اقتصادی مهم بوده است؛ شاخص‌های مسکن، تولید ناخالص داخلی، میزان سرمایه‌گذاری، مهاجرت، کیفیت آب، هوا و خاک، تنوع و زیبایی زیست‌محیطی، تجارت و تنظیم بازار است. شاخص‌هایی

که از نظر کارشناسان بی‌اهمیت هستند، نیز عبارت‌اند از: اوقات فراغت؛ مراقبت از سالمندان؛ جمعیت؛ آزادی انتخاب؛ تنوع و زیبایی زیست‌محیطی. با توجه به اینکه از میان مصاحبه‌شوندگان دو نفر از اساتید بر این نظر بودند که شاخص‌های اوقات فراغت و جمعیت در سنجش رفاه اجتماعی توأم با تاب‌آوری اقتصادی فاقد اهمیت هستند این دو شاخص را از مدل پیشنهادی لگاتوم-PEOPLES حذف می‌کنیم.

اما در رابطه با مؤلفه‌هایی که می‌تواند یا باید به این مدل اضافه گردد، هر یک از صاحب‌نظران مؤلفه‌هایی را پیشنهاد داده‌اند. شاخص‌های رشد اقتصادی، نرخ بهره‌وری، میزان آگاهی از حقوق شهروندی، میزان پاسخگویی حکومت به مردم، از این زمینه بودند که این شاخص‌ها را می‌توان به مدل پیشنهادی اضافه کرد. به نحوی که مدل پیشنهادی لگاتوم - برآمده از ادبیات رایج بدین‌وسیله بر اساس نظرات متخصصان و اساتید اصلاح و تکمیل می‌شود. در ادامه (صفحه بعد) مدل اعتباربخشی و تکمیل شده لگاتوم-PEOPLES ارائه شده است.

#### دلالت‌های راهبردی برای سیاست‌گذاران

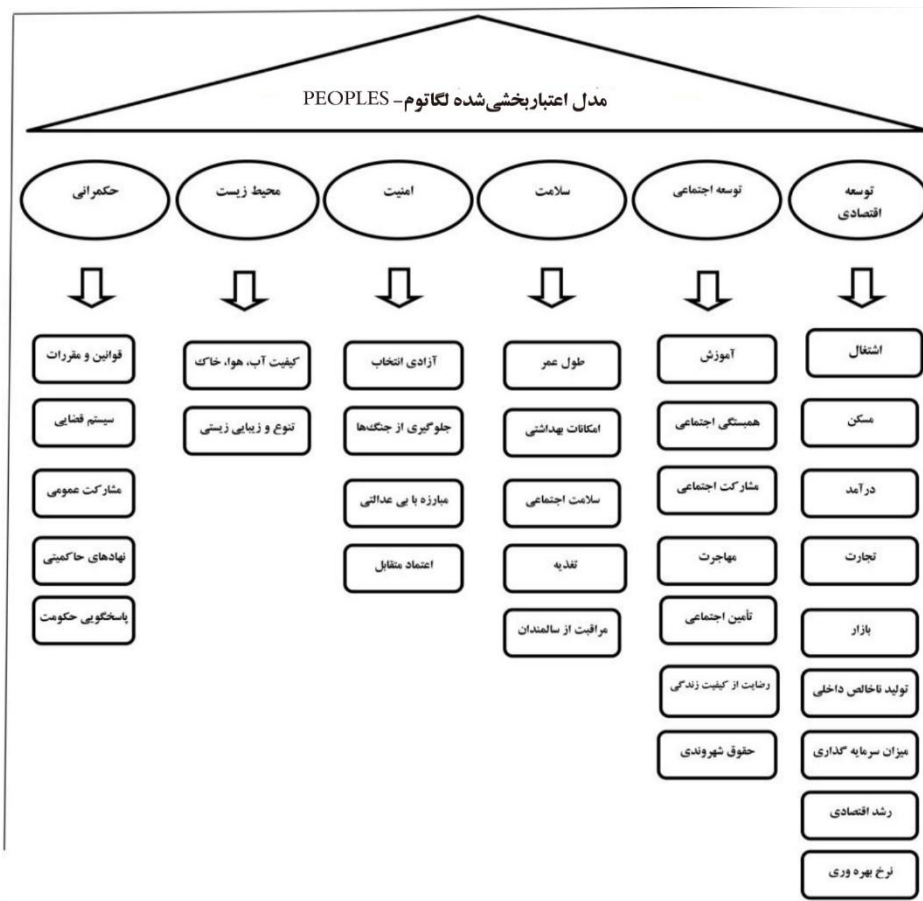
با توجه به ضرورت ورود ادبیات تاب‌آوری به حوزه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی بخش وسیعی از این مسئولیت بر عهده برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران خواهد بود؛ چراکه باید در روندهای قبلی و گذشته برنامه‌ریزی تغییراتی را اعمال کنند و با توجه به مبانی و مدل‌های طراحی و ارائه‌شده برای مفهوم تاب‌آوری و ابزارهای سنجش آن، آن‌ها را وارد حوزه برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های رفاهی نمایند. علاوه بر این با توجه به مطالعات محدودی که تاکنون در این زمینه بین‌رشته‌ای صورت پذیرفته است، حتماً لازم خواهد بود پژوهش و مطالعات در این زمینه بین‌رشته‌ای را با برون‌سپاری به دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و...تعمیق بخشند. با این اقدام حتماً داده‌ها و نتایج و دستاوردهای علمی در زمینه ورود ادبیات تاب‌آوری به حوزه رفاه اجتماعی افزایش یافته و تقویت می‌گردد و در نهایت با:

- وجود مدل‌های مفهومی متنوع که هر یک از بعدی خاص به مسئله رفاه اجتماعی می‌پردازند،

- تعیین شاخص‌ها و زیرشاخص‌های دقیق با توجه به اولویت‌های هر منطقه،



می‌توانند برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دقیق‌تر ارائه داده و تصمیمات رفاهی را متناسب با مقتضیات زمان، واقع‌گرایانه و با قابلیت تحقق و اجرای بالا طراحی نمایند.



شکل شماره ۸ مدل مفهومی لگاتوم - PEOPLES اصلاح و بازنویسی شده بر اساس نظر متخصصان (یافته تحقیق)

## جمع‌بندی

با توجه به اینکه بحران‌های اقتصادی اثرگذاری مستقیمی بر رفاه اجتماعی دارد و ورود ادبیات تاب‌آوری اقتصادی به حوزه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی لازم و ضروری است در مقاله پیش رو سعی گردید به این پرسش پاسخ داده شود که آیا اهل فن و متخصصان حوزه رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی به ضرورت این ورود قائل هستند؟ آیا دو ادبیات رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی اشتراک مفهومی که متضمن اشتراک در اهداف و سیاست‌های نیل به آن اهداف باشد را استنباط می‌کنند؟ به نظر ایشان این نقاط تلاقی می‌تواند مدل مفهومی را جهت دستیابی به مؤلفه‌های مشترک در هر دو حوزه معرفی کند، به‌نحوی که نیازها و دلالت‌های سیاستی ناظر بر رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی را توأمان فراهم کند؟ این سؤالات وقتی از اهمیت مضاعف برخوردار می‌شود که علی‌رغم همه ضرورتی که بر ورود ادبیات تاب‌آوری اقتصادی به حوزه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی وجود دارد؛ اما هیچ تعامل و برنامه عمل مشترکی حاکی از روابط مسئولانه میان نخبگان دانشگاهی و کارشناسان دستگاه‌ها اجرایی متناظر بر رفاه و اقتصاد، مشاهده نمی‌شود. به‌نحوی که با گذشت دو سال از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و علی‌رغم قرابت نظری این سیاست‌ها با نظریه‌های تاب‌آوری، مشارکتی از سوی متخصصین برنامه‌ریزی رفاه دیده نمی‌شود. همچنین علی‌رغم تأکیدات که در این مجموعه سیاست‌ها بر اقتصاد مردمی، عدالت و توجه بر اقشار کم‌درآمد و متوسط جامعه شده، دلالت‌های سیاستی از سوی کارشناسان و مسئولان اقتصاد مقاومتی برای رفاه اجتماعی مشاهده نشده است. بر همین مبنا نتایج این مقاله که دیدگاه دانشمندان و صاحب‌نظران دو حوزه تاب‌آوری اقتصادی و رفاه اجتماعی را که اولاً ضرورت ورود سیاست‌های تاب‌آوری اقتصادی به برنامه‌ریزی‌های رفاهی است؛ ثانیاً وجود نقاط تلاقی و مؤلفه‌های مشترک میان دو حوزه مذکور است و ثالثاً تأکید بر صحت یک مدل مفهومی ترکیبی میان دو حوزه تاب‌آوری و رفاه اجتماعی است که می‌تواند مبنای سنجش برنامه‌ریزی رفاهی مبتنی بر سیاست‌های تاب‌آوری اقتصادی در

جامعه باشد، بسیار مهم و قابل توجه است؛ چراکه این نظرات قطعاً می‌تواند زمینه علمی و عملی را برای بازتیین دلالت‌های رفاهی در مجموعه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی فراهم کرده و با نشان دادن امکان و حتی ضرورت تعامل دوسویه دو مقوله تاب‌آوری و رفاه اجتماعی، برنامه‌ریزان و نخبگان عرصه رفاه اجتماعی کشور را با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی آشتی دهد و زمینه تفاهم و هم‌زبانی بین آن‌ها را ممکن سازد؛ چراکه ارائه و اعتبار بخشی یک مدل مفهومی جامع میان دو حوزه این امکان را فراهم می‌کند که از یکسو در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی‌های رفاه اجتماعی هم‌زمان هم به مقوله تاب‌آوری و هم به مقاومت‌سازی اقتصادی توأمان توجه شود و از سوی دیگر توجه و مسئولیت‌پذیری اقتصاددانان حوزه تاب‌آوری به مسائل رفاهی جامعه معطوف خواهد شد.

به همین منظور ابتدا توسط فن مصاحبه با اساتید و صاحب‌نظران حوزه تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده به روش داده-بنیاد، علاوه بر تأکید بر ضرورت ورود ادبیات تاب‌آوری به حوزه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی به نقاط تلاقی و مؤلفه‌های مشترک میان دو حوزه اشاره گردید و در نهایت، شاخص و مدل ترکیبی لگاتوم-PEOPLES معرفی و اعتباربخشی شد که در ادبیات رفاهی و همچنین تاب‌آوری اقتصادی نوعی نوع‌آوری محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد در شرایطی که سیاست‌گذاران رفاهی نباید از تئوری‌ها و شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی غافل شوند و هم آنکه نظریه‌پردازان اقتصادی نمی‌توانند نسبت به مباحث رفاه غفلت کنند، مدل مفهومی ترکیبی لگاتوم-PEOPLES می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کارآمد در اندازه‌گیری وضع موجود و البته هدایت و راهنمایی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران برای رسیدن به وضع مطلوب عمل کند.

#### یادداشت‌ها

۱. لازم به ذکر است نباید ادبیات تاب‌آوری اقتصادی را با مقولاتی چون پایداری اقتصادی یا ثبات اقتصادی به‌ویژه در مباحث تعادل اقتصادی و همین‌طور ادبیات برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی را با مباحث رفاه و اضافه رفاه تولیدکننده و مصرف‌کننده در اقتصاد خرد اشتباه گرفت؛ چراکه در این

صورت و با اذعان به حداکثر شدن رفاه اجتماعی در شرایط تعادل، دیگر بحث از تلاقی دو ادبیات برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی معنادار نخواهد بود.

## ۲. Interview

«مصاحبه یکی از صورت‌های بررسی اجتماعی است که شامل مبادله‌ای شفاهی یا گفتگویی در جهت هدفی معین بین یک بررسی‌کننده با یک یا چند نفر به منظور کسب اطلاعات با آگاهی‌هایی چند در زمینه امور، رفتار، عقاید و یا باورهایی که پاسخگوی هدف معینی هستند و مؤید تحقیق با توجه به فرضیه‌های پژوهشی خود تعیین کرده است» (بیرو، ۱۳۷۰، ص ۱۹۲).

## ۳. Open Coding

## ۴. Axial Coding

## ۵. Selective coding

۶. به دلیل اینکه یکی از اساتید حاضر در تحقیق موفق به تکمیل جدول شاخص‌های مشترک در پرسشنامه نشده‌اند، ارزیابی ۷ مصاحبه‌کننده در جدول ۱۴ مشخص شده است.

## کتابنامه

ایزدی، محسن (۱۳۸۷)، *پیدایش و گسترش بحران مالی در جهان و اثرات آن بر اقتصاد ایران*، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

بیرو، آلن (۱۳۷۰)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.

پیغامی، عادل و منصوری، سمانه (۱۳۹۳)، «مطالعه تطبیقی ادبیات اقتصاد تاب‌آور و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی؛ ارائه یک مدل مفهومی ترکیبی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، شماره ۲۵.

حبیبی، غلامحسین (۱۳۹۳)، *بینش روش‌شناختی تحقیق در علوم اجتماعی پارادایم‌ها، روش‌ها و تکنیک‌ها*، تهران: کتاب همه.

فلیک، اووه (۱۳۹۱)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

کیال، علی (۱۳۸۷)، «پیامدهای بحران اقتصادی غرب بر اقتصاد کشور»، *فصلنامه تدبیر*، شماره ۲۰۰.

محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، *روش تحقیق کیفی ضد روش ۲*، مراحل و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی، جلد دوم، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

نچمیاس، دیوید و فرانکفورت، چاوا (۱۳۸۱)، *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه فاضل لاریجانی، رضا فاضلی، با مقدمه‌ای از باقر ساروخانی، تهران: سروش.

- Briguglio, L.; Cordina, G.; Farrugia, N.; & Vella, S. (۲۰۰۹), Economic vulnerability and resilience: Concepts and measurements, Oxford Development Studies.
- Hallegatte, Stephane (۲۰۱۴), "Economic Resilience Definition and Measurement", The World Bank, Climate Change Group, Office of the Chief Economist
- Gylfason, Thorvaldur; Holmströmm, Bengt; Korkman, Sixten; Söderström, Hans Tson & Vihriälä, Vesa (۲۰۱۰), Nordics In Global Crisis Vulnerability and Resilience (The Research Institute of the Finnish Economy (ETLA).
- Jackson, James K. (۲۰۰۹), "The Financial crisis: Impact on and response by the European Union", Specialist in International Trade and Finance, Congressional Research service.
- Martin, Ron & Sunley, Peter (۲۰۱۳), "On the Notion of Regional Economic Resilience: Conceptualisation and Explanation, Department of Geography", University of Cambridge, UK (rlm\@cam.ac.uk) School of Geography, Southampton University, UK, Submitted to Journal of Economic Geography.
- Schimank, Prof. Uwe (۲۰۱۱), *The Fragile Constitution of Contemporary Welfare Societies: A Derailed Functional Antagonism between Capitalism and Democracy*, Institut für empirische und angewandte Soziologie (EMPAS) Universität Bremen.



